

آرته

آرته

آرته

برخی تحت تأثیر غیرمستقیم سرویس‌های جاسوسی عمل می‌کنند

● عبدالرضا هاشم‌زایی:… [سرویس‌های جاسوسی خارجی] توانستند فضا را به نحوی مدیریت و سازماندهی کنند که برخی افراد به‌طور غیرمستقیم مدنظر آنها بوده است. البته نمی‌خواهم بگویم که هر فرد تندرو عامل مستقیم این سرویس‌ها بوده، ولی این سرویس‌ها فضا را به نحوی آماده می‌کردند که در یک فضای سیاسی تصمیمات این چنینی گرفته شود. مثلا زمانی که عربستان یک‌سری شیعیان از جمله شیخ نمر را قصد داشت اعدام کند، یک‌سری بلندگوهای حامی حقوق بشر علیه حاکمیت عربستان در دنیا فعال شده بودند و در فضای مجازی و رسانه‌ها فضا به ضرر آل سعود بود. ولی با تئدروی یک گروه که به سفارت عربستان حمله کردند و ساختمان سفارتخانه را به آتش کشیدند و در واقع به خاک این کشور تعدی کردند، فضا به نفع عربستان و ضرر جمهوری اسلامی رقم خورد… با این رفتار تندروهای داخلی [آتش‌زدن برجام و پرچم آمریکا در مجلس] نگاهشان معطوف به ما شد و به طور جدی نسبت به این اقدامی که در پارلمان ما اتفاق افتاد و از طریق صداوسیما نمایش داده شد، همه نگاه‌ها را علیه ما برگرداند… چیزی که در دنیا وجود دارد و لازمە دموکراسی است؛ اینکه اقلیت قبول می‌کند که اقلیت است در حالی که در کشور ما صدای اقلیتی خاص همیشه بلندتر از اکثریت بوده است… من اعتقاد دارم که رئیس مجلس باید جلوی این اقدام را می‌گرفت. حتی در سایر مواردی که این اقدامات را شاهد بودیم متأسفانه هیچ برخورد قاطعی با این افراد صورت نرفته است. حتی شاهد محاکمه جدی و علنی افرادی که به سفارت انگلیس و عربستان حمله کرده‌اند هم نبودیم. واقعا نمی‌دانم این افراد سفارشی‌کار، به چه قدرتی وصل هستند که با وجود چنین کارهایی هیچ برخوردی با آنها نمی‌شود… به هیچ وجه این افراد را خودش نمی‌دانم… تاکید دارم که این رفتارها نه خودش است و نه خودش‌ر بلکه رفتارهایی سازماندهی‌شده است که هر چند وقت یک بار به شکل و طریقی در جایی اتفاق می‌افتد.



خدا به بیانیه نویسان دولت سلامت عقل دهد

● دولت در بیانیهای جدید در مدح برجام، مطلب یکی از نهادهای حکومتی را بهانه قرار داده و به منتقدان توافقی ناگام با آمریکا باعصیبت و مغلظه‌ها آشکارا تاخته و منتقدان را این‌گونه معرفی کرده است: «آنها در تعارضی آشکار، هم دلواپس حضور آمریکا در برجام بوده‌اند و هم شاکی خروج آمریکا از برجام.» گاهی احساس می‌کنم واجب شده است که برای بیانیه‌نویسان دولت، شله‌زرد یا حلوايي، نذر «سلامت عقل» کنیم. واقعا برای ایران با عظمت با این تمدن و با این انبوه اندیشه‌هورزان، تانسف‌آور است که بیانیه‌های دولتش در قرن ۲۱ در چنین سطح عوام‌پسند و مغلظه‌آمیزی غوطه‌ور باشد. چه کسی و در چه زمانی نگران حضور آمریکا در برجام یا خروج آمریکا از برجام بوده است؟! غلط‌اندازبودن این سخن، آشکار و شفاف است زیرا از ابتدا بحث‌ها بر سر شیوه مواجهه و مذاکره و دغدغه‌ها درباره عطا‌های راهبردی و تاکتیکی دولت در این مذاکرات بود… ساده‌لوحانی که به سابقه گفت‌وگوی ظریف با جان کری در دوران حضور او در نمایندگی سازمان ملل یا فامیل‌بودن کری با ایرانی‌ها به خاطر داماد کرمانی‌اش اشاره می‌کردند، حالا برای دولت بیانیه‌های ساده‌لوحانه‌تری می‌نویسند تا آن روساویی خود را پنهان کنند. شرم بر آن روشنفکری که در شب خروج آمریکا از برجام در توییتهی نام‌یکی از روزنامه‌های کشور را برد و عامل اصلی خروج آمریکا از برجام را انتقادهای هسته‌ای آن روزنامه دانست. اینها با هیچ ندزی سلامت عقل پیدا نمی‌کنند.

جمهوری اسلامی

به‌کجاچنین شبانان

● مسیح مهاجری: علاقه‌ان‌ترین راه برای مقابله با توطئه‌های دشمنان یک ملت این است که آحاد ملت و مسئولان دست به دست هم بدهند و یکصدا و یکپارچه توطئه‌ها را خنثی کنند. واقعه خروج آمریکا از برجام، یک توطئه برای قراردادن کشور و ملت در تنگناهای اقتصادی و سیاسی است. قطعا می‌توانیم این توطئه را خنثی کنیم اگر یکصدا و یکپارچه در برابر دشمن بایستیم و قطعاً نمی‌توانیم آن را خنثی کنیم اگر به جای وحدت بر طبل تفرقه بکوبیم و به جای اعتراض به آمریکا به خودی‌ها اعتراض کنیم. متأسفانه در روزهای اخیر بعضی از نهادهای خیم جرزوی و حکومتی همصدا با تعدادی از رسانه‌های وابسته به یک جریان خاص، به جای آنکه دشمن را مورد‌اعتراض و عتاب قرار دهند، دولت، رئیس‌جمهور و دستگاه دیپلماسی خارجی کشور را اماج نه‌اچم قرار داده‌اند… از قدیم گفته‌اند حرمت امام‌زاده را باید متولی نگه کرد… اینکه در بیانیه رسمی یک نهاد مهم حکومتی از رئیس‌جمهور خواسته شود از مردم به خاطر انعقاد برجام که یک پیمان مورد تأیید کل نظام است، عذرخواهی کند نه تنها انتقاد نیست بلکه بوی انتقام می‌دهد… اگر شما حضرات نمی‌دانید، خوب است بدانید که مردم این روزها سهم شما را در خروج آمریکا از برجام کمتر از سهم ترامپ نمی‌دانند…

politics@sharghdaily.ir

سیاست

گفت‌وگو با «حمیرا ریگی»، اولین فرماندار زن در سیستان و بلوچستان

با مردها جنسیتی برخورد نکردم



عکس: سید مرتضی

شرق، علی ایوبی: «حمیرا ریگی» اولین فرماندار زن در استان سیستان و بلوچستان است. بلوچ و اهل سنت است و بسیار مهربان. با لیغند می‌گوید در این چند روزی که در تهران بوده هم‌زمان سه نقش را ایفا کرده است؛ به‌عنوان «فرماندار» در جلسات وزارت راه و وزارت بهداشت شرکت کرده، در کنگره ملی فیزیوتراپی ایران به‌عنوان «فیزیوتراپیست»، حضور داشته و به‌عنوان «همسر» در بیمارستان از شوهرش پرستاری می‌کند. متولد سال ۵۴ است و در ۲۵سالگی به‌عنوان بخشدار مرکزی جاپهار انتخاب شد و جزو بخشدارهای نمونه کشوری بود. سه فرزند دارد. فرزند اولش در زمانی که بخشدار بود به دنیا آمده و فرزند سوشم، دوسال‌ونیم داشته که او به‌عنوان فرماندار انتخاب شده است. می‌گوید خداوند این توانایی را به زن داده است که هم‌زمان نقش مادری، همسری و نقش مدیریتی و اجتماعی خودش را داشته باشد. می‌گوید این‌گونه نیست که به‌عنوان یک فرماندار سریع جلسات را تمام کند تا به خانه بروم، اما به بچه‌هایم رسیدگی می‌کنم، آشپزی را خودم انجام می‌دهم و مهمان‌داری‌های خود را هم دارم، به همه فعالیت‌های خود می‌رسم و از زمانم استفاده می‌کنم. ریگی هم‌اکنون فرماندار شهرستان «قصرقند» در جنوب استان سیستان و بلوچستان است. او جمعه‌شب و قبل از آنکه برای همراهی همسرش به بیمارستان برود، به «شرق» آمد. مصاحبه ما با «حمیرا ریگی» را در ادامه می‌خوانید:

وجود دارد. مسافت ما از شهرستان تا پایتخت حدود دو هزار کیلومتر است و از طرفی زمانی که صرف مسائل شهرستان می‌شود، زیاد است به همین خاطر ارتباطمان به صورت چهره به چهره و حضوری در سطح ملی خیلی کمتر بوده و این ضعف باید رفع شود. حتی

من این‌را به معاونت زنان رئیس‌جمهور هم پیشنهاد می‌دهم. یکی از کارهایی که من می‌کردم، این بود که افراد شاخص و خاص را به شهرستان می‌آوردم و اینها را به مدارس می‌بردم. مثلا خانم فهیمه احمدی‌دستجردی اولین خلبان زن ایران را به قصرقند آورد و به تنک مدارس بردیم. این دیدن‌ها و مشاهدات عینی خیلی تأثیر بیشتری می‌گذارد و به جرئت می‌گویم که نگاه دختران قصرقند با دیگر هم‌عافت‌ها متفاوت است. البته از بخش مردها هم غافل نبودیم و فکر نکنید که جنسیتی برخورد کردیم.

● **به‌عنوان فرماندار و نه یک زن، مشکلات شهرتان و استان سیستان و بلوچستان را چه می‌دانید؟**
ما در استان با دو کشور نابسامان افغانستان و پاکستان هم‌جوار هستیم. استانی مرزی هستیم و مرز مشکلات امنیتی خودش را دارد که برای استان ما در بدترین حالت است چون شما در خاورمیانه بی‌ثبات‌تر از افغانستان و پاکستان از لحاظ سیاسی، اجتماعی، بهداشتی و اقتصادی نمی‌توانید ببینید. یک موضوع مهم دوری از مرکز است که باعث شده ما عقب‌افتادگی‌هایی داشته باشیم. استان هم بسیار پنهانور است. این عوامل عمده‌ای است که باعث شده برای سیستان و بلوچستان آنچه شایسته آن بود، اتفاق نیفتد. البته توجهاتی که در این چندساله به استان شده و نگاه‌های مردم کشور را هم تغییر داده و در سال ۹۶ مقصد گردشگری ناشناخته برای ایرانیان شد. شاید سال‌های گذشته پیش‌تر وقتی به تهران سفر می‌کردیم، ما را به‌عنوان یک بیگانه مثلا هندی یا پاکستانی حساب می‌کردند؛ نه یک هم‌وطن سیستان و بلوچستانی؛ اما الان مردم با سیستان و بلوچستان آشنا هستند. همین اتفاقات سطح رضایتمندی مردم را بالا برده است. در این مناطق مردم دولت را نماد عینی

خدمات نظام جمهوری اسلامی می‌دانند و هرچه خدمت دولت بیشتر شود و ملموس‌تر باشد، توجه مردم به نظام هم بیشتر می‌شود. ما قبل از ۹۳ راه‌آهن و گاز نداشتیم و ظرفیت ترانزیتی بندر چابهار به‌خوبی استفاده نمی‌شد؛ اما الان راه‌آهن از جنوب به شمال استان به‌شدت در حال ساخت است. اتفاق خیلی خوب دیگر توسعه سواحل مکران است که به دستور مقام معظم رهبری و تحت نظارت ایشان اتفاق می‌افتد. ما ۳۰۰ کیلومتر مرز آبی با دریای عمان داریم که با اقیانوس هند مرتبط است. اگر اینها با شدت و حدت دنبال شود، مطمئـن باشید استان سیستان و بلوچستان قدوقواره خودش را در سطح ملی پیدا خواهد کرد.

● **من در تعطیلات عید می‌خواستم به استان شما سفر کنم. خیلی از افراد به من می‌گفتند که حتما فلان شهر یا فلان جای دیدنی را برو که نشان می‌داد مردم به جاهای دیدنی سیستان و بلوچستان آشنایی دارند؛ اما در مقابل عده‌ای هم می‌پرسیدند آنجا خطرناک نیست و امنیت دارد؟ جواب شما به این سؤال چیست؟**

ببینید، وقتی در شهرستانی که در بالاترین رده امنیتی و سیاسی است، یک زن فرماندار است، این یعنی امنیت وجود دارد. اگر هنوز مردم نگاه امنیتی به سیستان و بلوچستان دارند، به خاطر رسوب نگاه‌های گذشته است. متأسفانه در گذشته رسانه‌های ما با نمایش شرارت و قاچاق در این استان، مردم را بدبین کرده بودند. خوشبختانه الان رسانه‌ها هم تغییر رویه داده‌اند. البته به‌جز فیلم «بادیگارد» که مورد اعتراض مردم استان هم قرار گرفت. اعتراضشان هم به‌حق بود؛ چون در زمانی ابراهیم حاتمی‌کیا این فیلم را ساخت که در آن معاون رئیس‌جمهور در استان سیستان و بلوچستان ترور می‌شود. کم‌کم داشت نگاه امنیتی از روی استان برداشته می‌شد و نگاه گردش‌حسودی شکل می‌گرفت؛ اما با بخش این فیلم دوباره مقداری نگاه امنیتی ایجاد شد. من به‌عنوان یک شهروند سیستان و بلوچستانی از رسانه‌های ملی و هنرمندان تقاضایی دارم؛ اگر سفری به استان ما داشته باشند و معرفت و مظلومیت استان را ببینند و شرایط سخت اقلیم را ببینند، به خودشان اجازه نمی‌دهند که این تصاویر را از مردم ارائه دهند. در بحث امنیّت باید بگویم که خیلی از مقامات کشوری به شهرستان ما که کوهستانی و صعب‌العبور است، آمدند؛ اما در امنیت کامل بودند و حتی رده‌های خاص امنیتی را به کار نبردند و هیچ اتفاقی هم نیفتاد.

● **دی‌ماه در کشور اعتراضاتی صورت گرفت. در شهرستان شما هم اتفاق خاصی افتاد؟ چگونه مدیریت کردید؟**

در شهرستان ما هم یک‌سری اعتراضات در حال شکل‌گیری بود. وقتی فراخوان برای تجمع داده شد، اولین اقدامی که من به‌عنوان رئیس شورای تأمین داشتم، این بود که افرادی را که فراخوان زده بودند، شناسایی کردیم و آنها را قبل از شکل‌گیری تجمع به دفتر خودمان دعوت کردیم. علما و معتمدان را هم دعوت کردیم و با هم گفت‌وگو کردیم که چرا می‌خواهید اعتراض کنید و دلیل آن چیست؟ اینجا نماینده دولت به‌گونه‌ای است که بین مردم و با مردم است. درهای ادارات و دفتر من شبانه‌روز به روی مردم باز است. گفتیم که در این فضا چرا می‌خواهید اعتراض کنید و هرگونه نگرانی که دارید، با ما مطرح کنید و ما موظفیم که پاسخ‌گو باشیم و پیگیری کنیم. با این گفتمان خیلی از افرادی که ناراضی‌ت داشتند و به نظر من بخشی از آن به دلیل نبود اطلاع‌رسانی از خدمات است، قانع شدند و جمعی هم صورت نگرفت. به نظر من اگر از درون مردم را داشته باشیم و دریاپیـم و در بین آنها باشیم، هیچ‌گونه نگرانی وجود ندارد و من این تجربه را در شهرستان قصرقند داشتم. گاهی ما ظرفیتهایی در نظام جمهوری اسلامی داریم که از آن غافل می‌شویم. من به‌عنوان یک فرماندار از تمام ظرفیتهای نظام برای توسعه عمران و آبادانی شهرستان خودم استفاده می‌کنم. این نکته‌ای است که آنهایی که باید بدانند، ان‌شالله جمله را بگیرند.

● **شما در ابتدای مصاحبه گفتید که برخی از دختران شهرستان دوست دارند که بخشدار و فرماندار شوند. شما اکنون الگوی آنها هستید. این برای شما انگیزه نشده تا بخواهید استاندار یا حتی رئیس‌جمهور شوید؟**
امیدوارم روزی برسد که ورای جنسیت و قومیت و مذهب، شایسته‌سالاری در کشور حاکم شود. اگر می‌بینیم که یک آقا یا خانم در هر نقطه از کشور توانمندی‌هایی دارد، چرا از او استفاده نکنیم؟ آرزوی ما بوده و همیشه می‌گفتم که چرا من که در سیستان و بلوچستان هستم، نتوانم در سطح ملی نقش داشته باشم. این مشارکت مردم در نقاط مختلف کشور باعث هم‌گرایی می‌شود. این یک حالت برد-برد است که هم برای مردم و هم سیاست‌مداران و دولت می‌تواند مفید باشد.

ادامه از صفحه اول

مردم آمریکا رارنجانیم

اما، پس از رویدادهای سال ۲۰۰۳ و اشغال عراق، آمارها دچار دگرگونی قابل‌توجهی شد. در نظرسنجی دیگری در بهار این سال و پس از یورش آمریکا به عراق، چهره جهانی آمریکا منفی‌تر دیده شد. درحالی‌که در سال ۱۹۹۹، نتایج نظرسنجی وزارت خارجه آمریکا نشان می‌داد که ۷۸ درصد آلمانی‌ها دید مثبتی به آمریکا دارند. این رقم در سال ۲۰۰۲ به ۶۱ درصد و در بهار ۲۰۰۳ به ۴۵ درصد کاهش یافت. وضعیت در فرانسه نیز کم و بیش بر همین منوال بود.

در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ رقم ۶۲ درصد دیدگاه مثبت مردم فرانسه در سال ۲۰۰۳، به رقم ۴۳ درصد کاهش یافت. پدیده ضدآمریکاکرایی علاوه بر اروپای غربی و جهان اسلام، در دیگر مناطق جهان نیز گسترش قابل‌توجهی داشته است؛ در سال ۲۰۰۲ میزان محبوبیت آمریکا در برزیل، ۵۲ درصد بود ولی در سال ۲۰۰۳ به ۳۴ درصد رسید. این آمار در روسیه نیز کاهش ۲۵درصدی را در فاصله ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۳ نشان می‌دهد.

در اروپا مؤسسه نظرسنجی یورو بارومتر، وابسته به کمسیون اروپا در نظرسنجی‌ای که در اکتبر سال ۲۰۰۳ در کشورهای اتحادیه اروپا انجام داد، به این نتیجه رسید که اروپایی‌ها به همان میزان آمریکا را تهدید علیه صلح جهانی می‌دانند که ایران را. حتی در انگلیس به‌عنوان متحد مورد اعتماد آمریکا، در سال ۲۰۰۳ نظرسنجی نشان داد که ۵۵ درصد مردم آمریکا را خطری برای صلح جهانی می‌دانند. جالب‌تر اینکه در همین سال، چهار کشور اروپایی یونان، اسپانیا، فنلاند و سوئد، آمریکا را بیش از کره‌شمالی، بزرگ‌ترین تهدید برای صلح جهانی دانستند.

در خاورمیانه و کشورهای اسلامی، دیدگاه بخش زیادی از مردم نسبت به آمریکا، به‌ویژه پس از سال ۲۰۰۳ تغییر یافته و از میزان مقبولیت این کشور کاسته شده است. نظرسنجی وزارت خارجه آمریکا نشان می‌دهد در سال ۱۹۹۹ فقط ۲۳ درصد اردنی‌ها دید مثبتی به آمریکا داشته‌اند و در دوران پس از مداخله آمریکا در عراق، نه تنها در اردن بلکه در بیشتر کشورهای اسلامی خارج از خاورمیانه میزان محبوبیت آمریکا به‌شدت پایین آمده است. به‌عنوان مثال در سال ۲۰۰۲، ۶۱ درصد از مردم اندونزی نگاهی مثبت به آمریکا داشتند ولی در سال ۲۰۰۳، این رقم به ۱۵ درصد کاهش یافته است. نظرسنجی مؤسسه پیو نشان می‌دهد که ۷۱ درصد از مردم ترکیه و ۵۸ درصد لبنانی‌ها آمریکا را خطری برای کشورشان دانسته‌اند. بخش بزرگی از افکار عمومی (بیش از نیمی از جمعیت این کشورها) در دو کشور برزیل و کره‌جنوبی از اینکه ارتش عراق در مقابل آمریکایی‌ها در سال ۲۰۰۳ مقاومت چندانی نکرده است، اظهار ناراحتی کرده‌اند!

نکته ظریف و درخور توجه اینکه در بیشتر نظرسنجی‌ها، هیئت حاکمه آمریکا زیر تیغ منتقدان بوده است نه مردم آمریکا. اگر با تصمیم جورج دبلیو بوش در سال ۲۰۰۳، ارتش آمریکا، عراق را به بهانه واهی داشتن سلاح‌های کشتارجمعی اشغال و به ویرانه‌ای تبدیل کرد، این رفتار خارج از عرف بین‌الملل دولت آمریکا بود که نمود جهانی پیدا کرد و کاری که رئیس‌جمهور کرد، آن را در منظر جهانیان قرار داد.

پیش از بوش پدر و پسر دولت‌های آمریکا سابقه حمله به کشورهای دیگر را در کارنامه خود داشتند که ویتنام، پاناما، کوبا، جمهوری دومینیکن، کامبوج، لانوس، هائیتی و… از آن جمله است.

درحالی‌که سیاست یکجانبه‌گرایانه ترامپ در یک سال گذشته در عرصه جهانی حتی متحدان اروپایی‌اش را از آمریکا دور کرده است، خروج این کشور از توافقی هسته‌ای که همه اعضای دائم شورای امنیت و آلمان (به نمایندگی از سایر کشورهای اروپایی) پای آن را امضا کرده و مهر تأیید شورای امنیت نیز با ابطال قطع‌نامه‌های تحریم بین‌المللی ایران، آن را به یک توافق محکم و کم‌نظیر تاریخی تبدیل کرده، وجهه و پرستیژ آمریکا به‌عنوان یک قدرت جهانی را به مخاطره انداخته است.

اکنون نوبت بلازی ماست تا با طرح ادعائنامه علیه پیمان‌شکنی آمریکا و مانور بر آن در سطحی وسیع، سایر کشورهای مستقل و در رأس آنها اتحادیه اروپا، روسیه و چین را که خود زخم‌خورده از تک‌روی‌ها و انحصارطلبی‌های آمریکا هستند، در یک جبهه قرار دهیم. شکی نیست که اگر از این نیز فراتر رویم و افکار عمومی ملت آمریکا را نیز به سو و سود خود بسیج کنیم، کاری خواهد شد کارستان. در این راستا، رنجاندن ملت آمریکا با بی‌احترامی به پرچم این کشور که نماد استقلال این کشور است و مردمان آن سرزمین، آن را بسی مقدس می‌پندارند، تلاش‌های بین‌المللی ما را در محکومیت دولت آمریکا تحت تأثیر قرار خواهد داد.